معاون مطبوعاتی سابق وزارت ارشاد:

رسانه‌ها باید آنچه را که دیگران نمی‌بینند ببینند و برای مردم نشر دهند

دریاوفایی / گروه ایران
news@naslefarda.net

محمد خدادی معاون مطبوعاتی سابق وزارت ارشاد در گفتگو با ما مشکل رسانه‌ها به ویژه روزنامه‌های مکتوب را عدم محتوای مطلوب دانست و گفت: بحرانی که امروز داریم بحران تولید محتواست و رسانه‌های مکتوب ایران از فضای تولید خارج شدند و به فضای باز نشر وارد شدند. وی ادامه داد: رسانه‌های ما همچنان دارند به خبر می‌پردازند در حالی که باید بروند سراغ بعد از خبر، واین اشکال اساسی روزنامه‌های ماست. وظیفه رسانه کار پوشش نیست، رسانه درست شده که آنچه دیگران نمی‌بینند را این‌ها ببینند و به مردم بگویند نه اینکه آنچه همه می‌بینند را دوباره این‌ها بازنشر کنند.

خدادی بیان داشت: مردم توجهی به روزنامه‌ها ندارند چون کپی پیست همدیگر شده‌اند. منتظرند یکی سخنرانی و مصاحبه کند یا حادثه‌ای اتفاق بیفتد تا این‌ها به آن بپردازند و اساساً از کار حرفه‌ای کاملاً دور شدند. معاون مطبوعاتی سابق وزارت ارشاد افزود: رسانه‌های ما اثرگذار نیستند زیرا پاسخی به تقاضای مخاطب ندارد. سؤالات مخاطب را جواب نمی‌دهد و به نوعی اصلاً بدیهیات را دوباره تکرار می‌کند. به نوعی پایه میکروفون این جریان و آن حزب شده‌اند. وی اضافه کرد: تنگنای اصلی که دراین باره داریم این است که کارد رسانه‌ای برای مدیران رسانه بیشتر جنبه بنگاه اقتصادی و برای خبرنگاران هم بُعد شغلی دارد تا مهارتی. لذا خروجیش هم همین است که طرف فقط با دو ورق روزنامه دنبال یارانه آن است.

خدادی گفت: هزارن فارغ التحصیل در رشته رسانه و روزنامه نگاری داریم که جذب این کار نمی‌شوند و اگر هم بشوند خاصیتی ندارند چون مهارتش را ندارند چون تجربه عملی آن را ندارند.

معاون مطبوعاتی سابق وزارت ارشاد خاطرنشان کرد: مردم از شیر می‌توانند آب بخورند ولی می‌روند آب معدنی می‌خرند چون نیازشان را برطرف می‌کند. خب این روزنامه را اگر نخرند کجایِ زندگیشان به مشکل برمی‌خورد. اما اگر محتوایی داشته باشد و متناسب با نیاز یک فرد باشد او هرچه هزینه لازم باشد را می‌دهد تا نیازش را برطرف کند. لذا باید پاسخ به نیاز شویم و هیچ راه دیگری هم نداریم.

یادداشت

درباره سینمایی «شگفت‌انگیز»؛

داستانی در مورد داستان‌ها

«شگفت‌انگیز» فیلمی به کارگردانی سباستین للیو اهل شیلی است و فلورانس پیو، کیلا لرد کسیدی، تام برک، نیام الگار، توبی جونز و کیران هایندز در آن بازی می‌کنند. این فیلم اقتباسی از رمانی به همین نام نوشته «اِما دونوهو» است که به همراه للیو نویسنده فیلمنامه این فیلم نیز هستند. این اثر داستان یک پرستار انگلیسی را روایت می‌کند که به ایرلند می‌رود تا دختر جوانی را که ظاهراً در مدت طولانی غذا نمی‌خورد و مجبور هم نیست، مورد بررسی و نظارت قرار دهد. کار پرستار این خواهد بود که مراقب دختر باشد و ببیند آیا آنها در حضور یک کلاهبرداری هستند یا یک معجزه واقعی در حال رخ دادن است.

فیلم «The Wonder» با یک معجزه آغاز می‌شود: دختری در حومه ایرلند در سال ۱۸۶۲، تنها با قدرت ایمان، ماه‌ها بدون غذا زنده مانده است. و اگرچه در ابتدا به نظر می‌رسد که فیلم بر اساس جستجوی دلیلی است که چرا او می‌تواند بدون غذا زنده بماند، اما شخص للیو به عنوان کارگردان در نهایت اثر خود را در بازتابی از زمان حال و گذشته نشان می‌دهد که بیننده را ملزم می‌کند تا در مورد آنچه می‌بیند فکر کند. بنابراین ما با یکی از بهترین فیلم‌های بلند در سال جاری روبرو هستیم. اثری که به جای نمایش زیبایی یک بازیگر یا چارچوب یک اثر تمام فرمولی، به فیلمنامه اجازه می‌دهد تا افسار را در دست بگیرد. فیلمنامه‌ای با عمق و چند لایه که گفتگوهای بین گذشته و حال و رمز و راز درون داستان را به نرمی کاوش می‌کند. با نگاهی به کارنامه شخص للیو به عنوان کارگردان و فیلمنامه‌نویس این کار، متوجه خواهیم شد او حرفه‌ای فوق‌العاده داشته است و داستان‌هایی را روایت می‌کند که به اندازه کافی واقعی و در عین حال سینمایی هستند که به خاطر استعداد بصری و توجه به زیبایی‌شناسی او مورد قدردانی قرار می‌گیرند. در واقع للیو دوست دارد برای ما داستان بگوید و فیلم جدید او از این نظر کاملاً خاص است زیرا از همان ابتدا به ما می‌گوید که روایت درون فیلم فقط یک داستان است. این یعنی فیلمساز به ما می‌گوید که این یک قصه کامل است. پس به دنبال ریشه‌یابی حقیقی یا دروغی آن نباشید.

بدنه اصلی فیلم «The Wonder» را می‌توان داستانی در مورد مذهب، ایمان و چگونگی چسبیدن مردم ستنی ایرلند به این نکات پس از نجات از قحطی بدنام کشورشان دید. با این حال، در سطح گسترده‌تر، فیلم را می‌توان به‌عنوان یک تفسیر فراتر در مورد چگونگی تأثیرپذیری مخاطبان از داستان‌ها در نظر گرفت. این موضوع در حال حاضر بسیار مد شده است. برای مثال، روشی که رسانه‌های اجتماعی واقعیت‌های مجازی خود را برای کنار آمدن با دنیای باز جلوی چهره‌هایشان ایجاد می‌کنند، چندان دور از چیزی که برخی از شخصیت‌ها در فیلم با آن روبرو هستند، نیست. این یعنی قدرت ذهن انسان برای متقاعد کردن خود در مورد هر چیزی واقعاً شگفت انگیز است. گاهی اوقات، این خود متقاعدسازی می‌تواند به عنوان یک اعتقاد تلقی شود، اما با افراط در آن، همین عمل نیز می‌تواند منجر به عواقب شوم شود. (چیزی شبیه به فیک نیوز این روزهای کشور خودمان که در سطح مجازی هر کس عکس کشته‌خود را سر دست می‌گیرد و فریاد انقلاب رویاهایش را سر می‌دهد؛ انقلابی عن قریب که هیچگاه فرا نمی‌رسد)!

اما در بخش فنی این اثر نیز باید به نکاتی اشاره کرد. کارگردانی فیلم بسیار زیباست و نشان می‌دهد که للیو می‌تواند استعداد بصری خود را در معنای واقعی کلمه گسترش دهد. در بیشتر فیلم‌های اخیر او شخصیت‌ها در جنگل‌های بتنی درون خود به دام افتاده‌اند، اما در اینجا، شخصیت‌ها به همان اندازه خود را در منظره‌ای گم می‌کنند که به اندازه آسمان باز است. منظره‌ای که امکانات بی‌پایانی را ارائه می‌کند و هیچ‌کدام از شخصیت‌ها را به گوشه‌ای پوچ فراری نمی‌دهد. البته اگر از زاویه خاصی به همین نوع سبک روایی نگاه شود، خود یک کابوس است. اما کابوسی تماشایی. جدای از این همه این عناصر با موسیقی فوق‌العاده‌ای از متیو هربرت همراه هستند که باعث می‌شود فیلم بسیار بزرگتر از آنچه هست احساس شود.

در نهایت باید گفت: شگفت انگیز شاید یکی از بهترین فیلم‌های کوچک این سال باشد. متأسفانه، به لطف شهرت نتفلیکس به دلیل انتشار فیلم‌های ضعیف در پلتفرم خود، اکثر مردم به آن فرصت تماشا نمی‌دهند. با این حال، گیج نشوید؛ این یک فیلم جالب است و نشان می‌دهد که نتفلیکس هم می‌تواند گاهی شامل فضایی برای سینمای خوب باشد.

منبع: ویجیاتو

چرا سریال‌های شبکه نمایش طولانی می‌شود!

آفتی به نام سیستم محاسباتی دقیقه‌ای دستمزد

عکس: ایرنا

سامانه‌های وی‌اودی که این روزها، دوران شکوه خود را تجربه می‌کنند، می‌بایست همپای نظم نوین جهانی این عرصه، به تعدد آثار کیفی توجه کرده و از تولید سریال‌های طولانی کنونی فاصله بگیرند.

شبکه نمایش خانگی در حال حاضر، با مختصات جدیدی مواجه شده است. پلتفرم‌های اینترنتی وارد کسب‌وکار آزاد این حوزه شده و به معنای واقعی کلمه، به شبکه‌های مستقلی تبدیل شده‌اند که هم تولید می‌کنند و هم تولیدات ایران و سایر کشورهای جهان را در پلتفرم خود به نمایش می‌گذارند. در روی دوم این قضیه که مقوله پخش است، این پلتفرم‌ها توانسته‌اند تاحدود بسیاری، از قواعد بین‌المللی پیروی کرده و یک مخزن پرمایه از تولیدات فیلم و سریال ایران و جهان را برای مخاطبان فیلم‌بین فراهم آورند. آن‌ها همچنین بحث اشتراک ماهیانه و چندماه را نیز به خوبی در میان مخاطبان ایرانی جا انداخته‌اند و به همین جهت، خیلی زود توانستند در عرصه نمایش، از نمونه‌های معتبر جهانی الگوبرداری درستی داشته باشند. سخن اصلی اما بر روی تولید است. هم‌اکنون مدتی است که رقابت خوبی میان پلتفرم‌ها در سبقت در امر تولید سریال شکل گرفته است. این رقابت، از حوزه سریال‌سازی فراتر رفته و به رئالیتی‌شو نیز کشیده شده است اما بار اصلی همچنان بر روی سریال قرار دارد. این پلتفرم‌ها اگرچه در حوزه تولید نیز الگوبرداری خوبی از نمونه‌های موفق بین‌المللی به عمل آورده‌اند اما در یک مورد، نتوانستند زیرکی آن پلتفرم‌ها را در خود منعکس کنند. هم‌اکنون مدتی است که چندین سریال به‌صورت هم‌زمان به‌عنوان تولیدات این پلتفرم‌ها، روی خروجی این سامانه‌ها قرار می‌گیرند. کثرت این تولیدات حتی گاهی سبب می‌شود که نوعی موازی‌کاری شکل گرفته و سریال‌ها با توجه به پتانسیل ذاتی خود با استقبال مواجه نشوند اما مشکل بزرگ، برنامه‌ریزی برای پخش منظم این سریال‌ها نیست بلکه بی‌توجهی به نظم استانداردی است که جهان، مدت‌هاست از آن تبعیت می‌کند.

تلاش پلتفرم‌ها برای هدایت سرمایه به سمت مینی‌سریال

هم‌اکنون بسیاری از تولیدات پلتفرم‌های موفق جهانی را مینی‌سریال‌ها تشکیل می‌دهند. این پلتفرم‌ها به جز در معدودی از موارد، به شکلی مستقل به هزینه تولید یک سریال بلند ورود نمی‌کنند مگر آن که آن سریال، امتیاز ویژه‌ای داشته باشد که ریسک سرمایه‌گذاری بر روی آن را کاهش دهد مانند تولید اسپین‌آف از روی یک دنباله موفق. فارغ از این، پلتفرم‌ها، تلاش می‌کنند تا سرمایه خود را به سمت مینی‌سریال و یا حداکثر سریال‌هایی بین ۱۰ تا ۱۵ قسمتی ببرند تا بتوانند با درآمد آبونمان‌ها، بیشتر در چرخه تولید باقی بمانند. در همین زمینه می‌توان با نگاهی به محبوب‌ترین سریال‌های ۲۰۲۲ متوجه شد که آنها تا چه اندازه از این اصل تبعیت کرده‌اند. سریال ارباب حلقه‌ها: حلقه‌های قدرت در ۸ قسمت، خاندان اژدها در ۱۰ قسمت، پرنده سیاه در ۶ قسمت، جداسازی در ۹ قسمت، مرد شنی در ۱۱ قسمت، زنان جنبش در ۷ قسمت، ایستگاه یازده در ۱۰ قسمت، خطای معنایی در ۸ قسمت، زیر پرچم بهشت در ۷ قسمت، پیشنهاد در ۱۰ قسمت، ترک تحصیل در ۸ قسمت، پم و تامی در ۸ قسمت، پرونده ایپکرس در ۶ قسمت و... که اگر بخواهیم نمونه سریال‌هایی از این دست را فهرست کنیم، به بیش از ۱۰۰ مورد می‌رسیم. حالا این آمار را در مورد سریال‌های ایرانی که طی یک‌سال اخیر نمایش داده شده، مطابقت می‌دهیم: آنتن در ۱۵ قسمت، خونسرد در ۲۶ قسمت، آفتاب‌پرست در ۱۵ قسمت، شبکه مخفی زنان در ۳۰ قسمت، هم‌گناه در ۲۴ قسمت، جیران در ۳۴ قسمت، نیسان آبی در ۲۰ قسمت، ساخت ایران ۳ در ۲۱ قسمت، یاغی در ۲۰ قسمت و...

ریتم کند؛ اتهام بسیاری از سریال‌های تلویزیونی

سریال‌های تلویزیونی همواره به این مورد متهم بوده‌اند که از ریتم کندی برخوردار بوده و چون سیستم محاسباتی آنها بر مبنای دقیقه‌ای است، در نتیجه صحنه‌های حشو بسیاری دارند که همین، بر تعداد قسمت‌های سریال تأثیر می‌گذارد اما بسیار عجیب است که چرا چنین سیاستی در مورد تولیدات بخش خصوصی که شامل پلتفرم‌ها می‌شود نیز صدق می‌کند.

بسیار عجیب است که یک سوژه، برای نخستین مرتبه‌ای که قرار است برای مخاطب تولید شود در این تعداد قسمت تعریف می‌شود. این ریسک بزرگ از آن جهت مطرح است که بسیاری از این سریال‌ها با اقبال چندانی مواجه نشده‌اند و طبعاً، شکست مالی آن پروژه‌ها متناسب با تعداد قسمت‌هایشان، بیشتر هم می‌شود. ضمن آن که تا پیش از اوج‌گیری صنعت استریم در جهان، سریال‌های طولانی برای سرگرمی بیشتر مخاطبان تعریف می‌شد اما اکنون که این رویه به روزهای شکوه خود رسیده، کمپانی‌ها و فعالان حوزه استریم تلاش می‌کنند تا با تولید مینی‌سریال‌ها، یک رقابت واقعی را در تعداد مخاطب و میزان رضایت آنها به دست آورند.

این، یک سیاست درست است که باید در سامانه‌های وی‌اودی داخل کشور نیز رعایت شود. به این ترتیب، علاوه بر اینکه اصول حرفه‌ای و جهانی سریال‌سازی رعایت می‌شود، قدرت ریسک نیز به میزان قال توجهی کاهش می‌یابد و مهم‌تر از این دو مورد، چرخه هنرمندان نیز هدفمندتر و بیشتر به تحرک درآمده و دیگر وقت چندانی از آنها گرفته نمی‌شود.

بنابراین پلتفرم‌ها در یک تغییر رویه ضروری، باید هم‌چنان که فرآیند عرضه خود را به نرم جهانی نزدیک کرده‌اند، فرم تولیداتی خود را که بسیار مهم است را نیز به سیستم جهانی نزدیک کرده تا کنش بیشتری در رقابت حرفه‌ای داشته باشند.

خبر ویژه

جایزه افتخاری اسکار به مایکل جی فاکس رسید؛

تمجید برای کمک به تحقیق در زمینه بیماری پارکسینون

ایسنا: مایکل جی. فاکس بازیگر سینما و تلویزیون برای کمک به جمع‌آوری ۱.۵ میلیارد دلار برای تحقیق در زمینه بیماری پارکسینون، با دریافت جایزه اسکار افتخاری مورد تقدیر قرار گرفت. مایکل جی. فاکس بازیگری که در دهه ۱۹۸۰ در کمدی تلویزیونی «روابط خانوادگی» و فیلم‌های «بازگشت به آینده» تماشاگران را مجذوب خود کرد، از سوی آکادمی با دریافت جایزه اسکار افتخاری (جایزه بشردوستانه ژان هرشولت) برای فعالیت‌های حمایتی در جهت جمع‌آوری ۱.۵ میلیارد دلار برای تحقیق در مورد بیماری پارکینسون، مورد تقدیر قرار گرفت. فاکس در سن ۲۹ سالگی به بیماری پارکینسون که یک اختلال عصبی که باعث لرزش و سایر علائم می‌شود، مبتلا شد و فعالیت بازیگری خود را محدود کرد و بنیادی تحت عنوان «مایکل جی. فاکس» را برای تحقیقات پارکینسون تأسیس کرد تا در جستجوی درمانی برای این بیماری باشد. این بازیگر کانادایی در مراسم سالانه جوایز گاورنرز آکادمی اسکار پس از دریافت جایزه افتخاری گفت: «اینجا ایستادن و پذیرفتن محبت شما به عمیق‌ترین حالت متواضعانه است». فاکس همچنین گفت که سخت‌ترین قسمت در مورد بیماری‌اش، دست و پنجه نرم کردن با عدم قطعیت بود و او سال‌ها بیماری خود را خصوصی نگه داشته است، زیرا نمی‌دانست اگر مخاطبان بدانند که من درگیر این مشکل هستم، می‌توانند باز هم به کمدی‌های من بخندند یا خیر. «دایان وارن» ترانه‌سرای پرکار که آثارش در ۱۰۰ فیلم سینمایی استفاده شده است، «پیتر ویر» کارگردان استرالیایی که برای فیلم‌هایی چون «شاهد» و «انجمن شاعران مُرده» شناخته می‌شود و «یوژن پالسی» نخستین زن سیاه‌پوست که یک فیلم (یک فصل سفید خشک) برای استودیوهای بزرگ هالیوودی ساخت، دیگر دریافت‌کنندگان جایزه اسکار افتخاری امسال بودند.

خبر روز

برای ساخت فیلم «زنان حرف می‌زنند»؛

سارا پولی در جشنواره پالم‌ساپرینگز تجلیل می‌شود

مهر: کارگردان کانادایی با دریافت جایزه کارگردان سال از جوایز جشنواره بین‌المللی فیلم پالم اسپرینگز ۲۰۲۳ تجلیل می‌شود.

سارا پولی برای فیلم «زنان حرف می‌زنند» جایزه کارگردان سال جشنواره فیلم پالم اسپرینگز را می‌گیرد. این جایزه در مراسمی که ۵ ژانویه در مرکز همایش‌های این جشنواره برگزار می‌شود به این کارگردان اهدا می‌شود. این جشنواره تا ۱۶ ژانویه ادامه خواهد داشت. به گفته رییس این جشنواره سارا پولی در مسیر تحسین شده نویسندگی و کارگردانی خود این بار با فیلم «زنان حرف می‌زنند» درخشیده است. این فیلم که اقتباسی از کتاب میریام توس است با گروهی از بازیگران برجسته مخاطب را با خود به سفری سینمایی و پر از احساس و بازی‌های طبیعی می‌برد.

جین کمپیون برای «قدرت سگ»، الخاندرو جی ایناریتو برای «بابل» و «مرد پرنده‌ای»، استیو مک کوئین برای «۱۲ سال بردگی»، جیسون رایتمن برای «بالا در هوا»، دیوید او. راسل برای «مبارز»، کوئنتین تارانتینو برای «روزی روزگاری در هالیوود» و کلوئه ژائو برای «آوارگان» پیش از این موفق به دریافت این جایزه شده‌اند. همه این فیلم‌های نامزدی اسکار در بخش بهترین کارگردانی را کسب کردند و از این میان کمپیون، ایناریتو و ژائو برای فیلم‌هایشان موفق به کسب اسکار بهترین کارگردانی شدند.

پولی ۴۳ ساله که بازیگر نوجوان سریال «داستان‌های جزیره» بود برای فیلمنامه اقتباسی «دور از او» نامزد اسکار شد و مستند او «داستان‌هایی که می‌گوییم» برنده جوایز فیلم مستند از انجمن منتقدان فیلم لس‌آنجلس، هیات ملی نقد فیلم و حلقه منتقدان فیلم نیویورک شد و جایزه انجمن نویسندگان آمریکا برای فیلمنامه را هم برد.

خبر اول

جایزه گرمی هنرمند نوظهور برای خواننده ۹۵ ساله!

«آنجلا آلوارز» که در سن ۹۰ سالگی شروع کرد

ایرنا: «آنجلا آلوارز» پس از سال‌ها خوانندگی برای خانواده و دوستان، در سن ۹۰ سالگی شروع به ضبط رسمی آثارش کرد و حالا جایزه لاتین گرمی را برای هنرمند نوظهور کسب کرده است.

او پس از چندین دهه نوشتن آهنگ و اجرا برای دوستان و خانواده، سرانجام در ۹۰ سالگی نخستین کنسرت خود را در هالیوود برگزار کرد. سرانجام نوه او «کارلوس» با کمک «اندی گارسیا» بازیگر کوبایی، آهنگ‌های «آنجلا آلوارز» را در آلبومی ضبط کرد که این آلبوم موسیقی سال گذشته منتشر شد و در نهایت جایزه لاتین گرمی را برای این هنرمند باسابقه به ارمغان آورد. «آنجلا آلوارز» که در کوبای قبل از انقلاب بزرگ شد از سوی پدر و پدربزرگش برای پیگیری عشقش به موسیقی منع می‌شد اما با ازدواج و بچه دار شدن در خفا آهنگ می‌نوشت. پس انقلاب کوبا که منجر به دهه‌ها رهبری فیدل کاسترو شد، «آلوارز» تصمیم گرفت که سخت‌ترین تصمیم زندگی‌اش را بگیرد و چهار فرزندش را به آمریکا فرستاد و خودش نیز در نهایت به فرزندانش پیوست اما زندگی آزمون دشواری پیش روی او قرار داد و او همسر و تنها دخترش را به دلیل سرطان از دست داد. با این وجود، او به آهنگسازی و خوانندگی خود ادامه داد و بیشتر آثار خود را فقط با نزدیک‌ترین افراد به اشتراک می‌گذاشت. «آلوارز» پس از کسب جایزه بهترین هنرمند نوظهور در بیست و سومین مراسم سالانه لاتین گرمی لاتین، همه رویاپردازان را تشویق کرد و با تقدیم جایزه خود به کشورش کوبا گفت: «افرادی هستند که تسلیم می‌شوند، اما من تسلیم نشدم ـ من همیشه جنگیدم. به شما قول می‌دهم هیچ وقت دیر نیست».

جیسون دیوید فرانک بازیگر آمریکایی که بیشتر با نام تامی الیور ملقب به «رنجر سبز» برای بازی در پاور رنجرز شناخته می‌شود در سن ۴۹ سالگی درگذشت. علت مرگ این بازیگر رسماً هنوز اعلام نشده است.
منبع: فارس

فیلم کوتاه «رؤیا» و «نازپری» به نویسندگی و کارگردانی محمدرضا محمدی به جشنواره یوروشورتس لهستان راه یافتند.
منبع: مهر

هفت

«پری‌سا» بهترین فیلم جشنواره جیرونا اسپانیا شد

ایرنا: فیلم سینمایی «پری‌سا» توانست جایزه بهترین فیلم جشنواره جیرونا را از آن خود کند. فیلم سینمایی پری‌سا چهارمین ساخته فیلم بلند محمدرضا رحمانی به تهیه‌کنندگی سعید سعدی و سرمایه‌گذاری مهدی رضایی در سی و چهارمین جشنواره فیلم جیرونا (Girona Film Festival) از ۸ تا ۱۳ نوامبر (۱۷ تا ۲۲ آبان) در شهر جیرونا اسپانیا برگزار شد و عنوان بهترین فیلم بلند جشنواره را کسب کرد و همچنین جایزه ویژه هیئت داوران جشنواره نیز به عباس غزالی برای نقش آفرینی در این فیلم اهدا گردید.

فیلمنامه‌نویس «ممنوعه» با «بی‌آبان» به هنر و تجربه می‌آید

ایلنا: فیلم سینمایی «بی‌آبان» به کارگردانی مهرداد کوروش‌نیا از ابتدای آذر در گروه سینمایی هنر و تجربه اکران می‌شود. اولین تجربه کارگردانی مهرداد کوروش‌نیا از اول آذر در گروه سینمایی هنر و تجربه اکران می‌شود. فیلم بی‌آبان به کارگردانی مهرداد کوروش‌نیا و تهیه کنندگی علی محمد قاسمی با هنرمندی بازیگرانی همچون رضا اخلاقی راد، علیرضا استادی، نسیم ادبی، صحرا اسدالهی، داستان جنگلبانی به نام آبان است که در ماه ازدواج خود متهم به کشتن غیر عمد دختر بچه‌ای می‌شود و پس از این اتفاق دچار مشکلاتی می‌شود که برای او قابل پیش‌بینی نیست. مهرداد کوروش‌نیا فیلمنامه نویس و نمایشنامه نویس شناخته شده عرصه هنرهای تصویری و نمایشی است و نویسندگی فیلمنامه‌های سریال‌های همچون کرگدن، ممنوعه و نمایشنامه‌هایی همچون کابوس یک رؤیا و عزازیل را بر عهده داشته است و جوایز مختلفی را از جشنواره‌های فرهنگی هنری بدست آورده است.

روایت زندگی عیسی مسیح ۱۰ میلیون دلار فروش داشت

ایسنا: وضعیت فروش فیلم‌های سینمایی جهان در هفته گذشته با کاهش همراه بوده است و داستان زندگی عیسی مسیح که در بیش از ۲۰۰۰ سینما نمایش داده شده است در ۱۰ روز ۱۰ میلیون دلار فروخته است. همانطور که انتظار می‌رفت «Black Panther: Wakanda Forever» اثر رایان کوگلر در دومین هفته اکران خود با ۶۶ تا ۶۷ میلیون دلار در صدر جدول باقی ماند و مجموع فروش داخلی ۱۰ روزه به ۲۹۰ میلیون دلار رسید. استدیوی مارول و دیزنی امیدوار بودند در دومین دوره خود حداقل ۷۰ میلیون دلار فروش داشته باشند، اما این انتظار به ۶۳ درصد کاهش یافته است. غیرعادی نیست که یک عکس مارول بیش از ۶۰ درصد افت داشته باشد، اگرچه اولین اکران «Black Panther» با ۲۰۲ میلیون دلار افتتاح شد.

چاپ ۲ هزار و ۱۰۴ عنوان کتاب از سوی انتشارات شاهد

ایبنا: مدیرکل اسناد و انتشارات بنیاد شهید و امور ایثارگران گفت: از ابتدای تأسیس انتشارات شاهد در سال ۱۳۶۸ تاکنون ۲ هزار و ۱۰۴ عنوان کتاب در زمینه ایثار و شهادت به چاپ رسیده است. رحیم نریمانی افزود: از مجموع ۲ هزار و ۱۰۴ عنوان کتابی که از سوی انتشارات شاهد به چاپ رسیده حدود ۶۲ عنوان کتاب تجدید چاپ و ۳۵ عنوان کتاب جدید امسال منتشر شده است. وی ادامه داد: تاکنون نشر شاهد ۱۱۵ عنوان کتاب داستان و خاطره در حوزه ایثار و شهادت را برای گروه سنی بزرگسال، کودک و نوجوان به صورت کتاب صوتی تولید کرده است.

جشنواره مستند ایدفا برندگان خود را شناخت

فارس: برندگان سی و پنجمین دوره جشنواره بین‌المللی مستند آمستردام (ایدفا) معرفی شدند. سی و پنجمین جشنواره بین‌المللی مستند آمستردام (ایدفا) روز گذشته به کار خود پایان داد و مستند «آپولونیا، آپولونیا» محصول مشترک روسیه، دانمارک و لهستان به عنوان بهترین فیلم بخش مسابقه بین‌المللی انتخاب شد. مستند «مانیفستو» به کارگردانی آنگی وینچینو هم در بخش «Envision Competiton» برنده جایزه شد. مستند کوتاه «Away» محصول مشترک مجارستان، بلژیک و پرتغال ساخته روسلان فدوتوف نیز برنده جایزه بهترنن فیلم در بخش مستند کوتاه شد.

بردلی کوپر جانشینِ آقای مک‌کویین

ایسنا: بردلی کوپر، نقش «فرانک بولیت» را در فیلم جدید استیون اسپیلبرگ بر اساس شخصیت کلاسیک استیو مک کوئین بازی خواهد کرد. به نظر می‌رسد که استیون اسپیلبرگ، «فرانک بولیت» خود را پیدا کرده است و براساس اخبار رسیده، قراردادی را با بردلی کوپر، برای بازی در نقش پلیس سانفرانسیسکو در داستان اصلی بولیت که قرار است با محوریت شخصیت کلاسیکی که استیو مک کوئین در تریلر ۱۹۶۸ بازی کرده است ساخته شود، بسته است.